

در وسط این آیه که مربوط به تحریم خوردن میته و گوشت حرام دیگر است، جملاتی آمده مبنی بر اینکه امروز کافران از زمین یعنی دانستند که اسلام تثبیت شده و احتمال اینکه روزی از بین برود وجود ندارد و این دین را بر شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما به پایان بردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.

باید دید منظور از این سخنان چیست؟ و آن روز کدام روز است که وصف آن در این آیه در چهار فراز آمده است:

اليوم يفس الذين كفروا من دينكم...

اليوم اكملت لكم دينكم:

واتممت عليكم نعمتي:

ورضيت لكم الاسلام دينًا.

آن روز هر روزی که باشد، روز بسیار با عظمت و مبارک و سرنوشت سازی است و روزی است که مسلمانان باید همه ساله آن روز را به عنوان روز کمال اسلام جشن بگیرند؛ گاهی گفته می شود که آن روز روز عرفه، نهم ذیحجه آخرین سال زندگی پیامبر (ص) است که به حجة الوداع معروف است. در آن سال پیامبر به حج رفته بود و در روز عرفه در صحرای عرفه این جملات نازل گردید و کامل شدن دین اسلام و تثبیت موقعیت آن اعلام گردید چون تا آن زمان همه احکام گفته شده بود و دیگر چیزی باقی نمانده بود و با بیان تحریم خوردن گوشت میته و چند چیز دیگر احکام اسلام کامل شد و با این جملات تکمیل شدن دین و تمام شدن نعمت بر مردم اعلام گردید. بدین گونه بیشتر مفسران اهل سنت آن روز را روز عرفه حجة الوداع دانسته اند.

ولی اگر در مضمون بلند این جملات دقت کنیم، خواهیم دید که آن روز نمی تواند روز عرفه باشد چون پس از روز عرفه حجة الوداع، باز هم آیاتی در بیان احکام بر پیامبر (ص) نازل شد مانند آیه مربوط به ارث کلاله که آخرین آیه سوره نساء و آخرین آیه ای است که بر پیامبر

نازل شد و نیز بعضی از آیات مربوط به تحریم ربا که پس از عرفة آن سال نازل شده است. مهمتر اینکه باید دید چه حکمی در روز عرفة نازل شد که باعث مایوس شدن کافران از دین اسلام و کمال دین و تمام نعمت گردید؟ آیا منظور همان حکم حرمت خوردن گوشت میت و موارد دیگر است؟ بدون شک این نیست چون بیان این حکم ربطی به مایوس شدن کافران از اسلام و کامل شدن دین ندارد و اساساً این حکم با تفاوت‌های مختصری در چندین آیه از قرآن آمده است مانند: بقره، ۱۷۳ - اتمام، ۱۴۵ - نحل، ۱۱۵)

و این، حکم جدیدی نبود که با آمدن آن اسلام کامل شود. یا بگوییم این جملات از جملات مربوط به تحریم گوشت جداست و بگوییم منظور این بوده که در آن سال مسلمانان:

حج باشکوهی به جای آوردند و این باعث ناامید شدن کافران و کمال دین و تمام نعمت گردید.

نیز این سخن با مضمون آیه تناسب ندارد چون در آن روز بخصوص حادثه مهمی اتفاق نیفتاد که از آن مقطع خاص و روز معین به بعد، کافران مایوس شوند و دین کامل گردد چون آن شکوه و عظمت را مسلمانان از سالها پیش و از فتح مکه به بعد به دست آورده بودند.

اگر باذوق سالم و به دور از احتمالاتی که گفته شده، این جملات را مورد دقت قرار بدهیم، به خوبی می‌فهمیم که در آن روز بخصوص که آیه از آن سخن می‌گوید، حادثه

آیه ۶۷ از همین سوره (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک) که به آیه تبلیغ معروف است، ناظر بر اصل داستان غدیر است و این آیه پس از اجرای فرمان الهی و اعلام وصایت علی(ع) نازل شده است

بسیار مهم و سرنوشت سازی در اسلام رخ داده که باعث ناامیدی کافران و کامل شدن دین و تمام شدن نعمت گردیده است. آن حادثه هرچه باشد باید مربوط به جاودانگی اسلام و

تضمین بقای اسلام و محفوظ شدن آن از زوال و نابودی باشد.

آن حادثه بسیار مهم چه بود؟ خوشبختانه روایاتی که از طریق سنی و شیعه وارد آن حادثه مهم را برای ما شرح می‌دهد. طبق این روایات که از طریق اهل بیت نقل شده و بعضی از محدثان بزرگ اهل سنت هم با اسناد خود آن را نقل کرده‌اند، آن روز روز عرفة نبوده، بلکه روز هیجدهم ذیحجه سال آخر عمر پیامبر بوده و آیه، مربوط به داستان غدیر خم و اعلام وصایت و خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بوده است. در آن روز پیامبر خدا به دستور خدا در حضور دهها هزار نفر از مسلمانانی که از انجام مراسم حج باز می‌گشتند، علی بن ابی طالب (ع) را به مردم نشان داد و او را به عنوان وصی خود معرفی کرد. پس از این رخداد بسیار مهم بود که این آیه نازل گردید و خطاب به مسلمانان گفته شد که امروز کافران از دین شما ناامید شدند و دین کامل و نعمت تمام گشت و خداوند اسلام را به عنوان دین برای مسلمانان پسندید.

معلوم است که کافران تا آن زمان از زوال اسلام ناامید نبودند؛ آنها گمان می‌کردند که با مرگ پیامبر همه چیز تمام خواهد شد و طومار اسلام پیچیده خواهد شد بخصوص اینکه پیامبر فرزند پسری هم نداشت ولی با اعلام جانشینی علی بن ابی طالب از سوی پیامبر، امید دشمنان تبدیل به یأس شد و دیدند که پیامبر پیش‌بینی زمان بعد از خود را هم کرده است و امامت دنیالذات نبوت است و همان راه ادامه خواهد یافت.

آیه ۶۷ از همین سوره (یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک) که به آیه تبلیغ معروف است، ناظر بر اصل داستان غدیر است و این آیه پس از اجرای فرمان الهی و اعلام وصایت علی(ع) نازل شده است و ما، در اینجا چند روایت درباره نزول آیه الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی... که مورد بحث ماست در روز غدیر و روز وصایت امیرالمؤمنین نقل می‌کنیم:

اخطب خوارزمی در کتاب المناقب با اسناد خود از ابوسعید خدری نقل می‌کند که در روز غدیر که پیامبر مردم را به سوی علی بن ابی طالب خواند، این آیه نازل گردید: الیوم

اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام بینا.

پیامبر فرمود: الله اکبر بر کامل شدن دین و اتمام نعمت و خوشنودی پروردگار به شماست من و ولایت علی. سپس گفت: خدایا دوست بدار هرکس را که او را دوست بدارم دشمن بدار هرکس را که او را دشمن بدارد و خوار کن هرکس را که او را خوار بدارم (۱).

خطیب بغدادی با اسناد خود از ابن حوشب و او از ابوهریره نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: هرکس روز هجدهم ذیحجه را روزه بگیرد، برای او روزه شصت ماه نوشته می‌شود. در آن روز پیامبر به مؤمنان فرمود: آیا من بر مؤمنان اولی نیستم؟ گفتند: آری یا رسول الله. گفت: هرکس که من مولای او هستم علی هم مولای اوست. پس عمر بن خطاب گفت: به به ای پسر ابی طالب مولای من و مولای هر مسلمانی شدی. پس خداوند این آیه را نازل کرد: **الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی...** (۲)

این دو حدیث را با عبارتهای نزدیک به هم و اسناد گوناگون بعضی از مؤلفان اهل سنت نقل کرده‌اند، ولی بعضی از آنان آن دسته از احادیث را که آیه **الیوم اکملت لکم دینکم** را مربوط به روز عرفه می‌دانند، ترجیح داده‌اند (۳) و سبط بن جوزی این دو دسته از احادیث را به این صورت جمع کرده که آیه شریفه دو بار نازل شده است یک بار در عرفه و بار دیگر در غدیر خم (۴).

از اهل سنت که بگذریم، روایات بسیار و مستفیضه‌ای از طریق اهل بیت و ائمه

۱. المناقب خوارزمی، ص ۹۴، چاپ تبریز. این حدیث را با اندک تفاوتی حسکانی نیز در شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۲۰۰ نقل می‌کند و در کتابهای دیگری نیز آمده است.

۲. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۹۰. این حدیث با سندهای مختلف در کتابهای بسیاری از اهل سنت آمده از جمله ابن عساکر آن را با اسناد گوناگون در تاریخ دمشق آورده (رجوع شود به: ترجمه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در تاریخ دمشق که مستقلاً با تحقیق آقای محمد باقر محمودی چاپ شده است، مخصوصاً باورقیهای محققانه او دیده شود. ج ۲، ص ۷۷).

۳. مانند ابن کثیر شامی در تفسیر خود ج ۲، ص ۱۵ و سیوطی در الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۵۹.

۴. سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص ص ۳۰.

معصومین در دست داریم که در کتابهای حدیثی مختلف نقل شده و در آن روز آن است که آیه **الیوم اکملت لکم دینکم...** مربوط به ولایت علی بن ابی طالب (ع) است و در جریان غدیر خم در نزدیک جحفه نازل شده است (۱).

یکی از احادیث را به عنوان تبرک نقل می‌کنیم:

عن ابی جعفر علیه السلام قال: آخر فریضة انزل الله تعالی الولاية ثم لم ينزل بعدها فریضة ثم انزل: **«الیوم اکملت لکم دینکم»** بکراخ الغمیم فاقامها رسول الله صلی الله علیه و آله بالجحفة فلم ينزل بعدها فریضة. (۲)

امام باقر (ع) فرمود: آخرین فریضه‌ای را که خداوند نازل کرد، ولایت بود که دیگر پس از آن فریضه‌ای را نازل نکرد سپس این آیه: **«الیوم اکملت لکم دینکم»** در کراخ الغمیم نازل شد پس پیامبر خدا این فریضه را در جحفه (منظور همان غدیر خم است) اقامه کرد و پس از آن، دیگر فریضه‌ای نازل نشد.

از اهل سنت که بگذریم، روایات بسیار و مستفیضه‌ای از طریق اهل بیت و ائمه معصومین در دست داریم که در کتابهای حدیثی مختلف نقل شده و در آن روایات آمده است که آیه **الیوم اکملت لکم دینکم...** مربوط به ولایت علی بن ابی طالب (ع) است و در جریان غدیر خم در نزدیک جحفه نازل شده است.

۱- مجموع این روایات را در کتب زیر ملاحظه فرمایید:

قمی، تفسیر القمی ج ۱ ص ۱۶۲
بحرانی، البرهان ج ۱ ص ۲۳۵ به بعد.
حویزی، نورالثقلین ج ۱ ص ۵۸۷ به بعد.
مشهدی، کنزالدقائق ج ۳ ص ۱۳ به بعد.

۲- تفسیر القمی ج ۱ ص ۱۶۲.

مطلبی که ذکر آن در اینجا لازم است این است که این جملات که مربوط به تکمیل شدن رسالت با امامت می باشد، در وسط جملاتی آمده که راجع به یک حکم شرعی فرعی است و آن تحریم خوردن گوشت های حرام است و اینکه خوردن آنها در مقام ضرورت اشکالی ندارد. به طوری که ملاحظه می فرمایید این جملات با جملات قبل و بعد آیه شریفه به ظاهر تناسبی ندارد.

باید گفت: این یکی از شیوه های بیانی قرآن است که گاهی در وسط یک مطلب، مطلب دیگری را به عنوان جمله معترضه می آورد تا اهمیت خاص آن مطلب را برساند و آن مطلب همانند یک تابلو بدرخشد و جلب نظر کند. البته می دانیم که آیات قرآنی به ترتیب نزول در کنار هم قرار نگرفته، بلکه هر آیه ای که نازل می شد، پیامبر دستور می داد که آن را در سوره فلان و بعد از آیه فلان قرار بدهند و بدینگونه نظم و تألیف قرآن با تمام کتابهایی که به دست بشر نوشته شده، فرق اساسی و جوهری پیدا کرده و مطالب به صورت متنوع و گوناگون در کنار هم قرار گرفته است و در واقع، آیات قرآنی مانند سفره گسترده ای است که در آن انواع غذاها را می توان دید. و به طوری که بارها گفته ایم، قرآن کریم مشابیه های عجیبی با عالم طبیعت دارد و همانگونه که طبیعت، تنوع فوق العاده ای دارد و مجموعه ای روح نواز از اشیاء مختلف و رنگها و طعمها و پدیده های گوناگون در طبیعت در کنار هم قرار دارد - که هر چیزی به جای خویش نیکوست - در آیات و سوره قرآن هم همان روش را می بینیم و تنوع مطالب، هر نوع ذائقه ای را به سوی خود می خواند و روح انسانی را تغذیه می کند و این یکی از رموز جاودانگی و تازگی قرآن است.